

پدیدار شناسی عوامل موثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی در دوره دوم متوسطه

دکتر جواد کیهان^۱
رحیم رحیم زاده^۲
میر بشیر همت یار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

چکیده

هدف کلی این پژوهش شناخت و بررسی عوامل موثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه شهر قوشچی بوده است. برای درک تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، این تحقیق به روش کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به تعداد ۱۵۴ و ۶۲۰ نفر بودند که از این تعداد با روش نمونه‌گیری هدفمند و تا حد اشباع اطلاعات ۱۵ نفر معلم و ۱۷ نفر دانش‌آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار و پرسش‌های باز استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به روش تحلیل کلاسیکی صورت پذیرفت. یافته‌های تحقیق مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی در دوره متوسطه را از دیدگاه معلمان و خود دانش‌آموزان را در دو دسته کلی عوامل فردی یا شخصی و عوامل مدرسه‌ای یا محیطی قرار داد. از منظر دانش‌آموزان مهم‌ترین عوامل فردی (شامل بی‌انگیزگی ناشی از مشاهده افراد ناموفق، بی‌هدفی و ابهام در آینده شغلی و توسل به اسناد بیرونی) و عوامل مدرسه‌ای (کمبود امکانات، تدریس نادرست معلم، ضعف محتوایی کتب درسی و طولانی بودن ساعات آموزشی) بودند. اما در نگاهی کمابیش یکسان معلمان مهم‌ترین عوامل فردی را (کاهش انگیزش پیشرفت، سردرگمی هویت، اعتماد به نفس کاذب، مشکل تمرکز ذهنی، اعتیاد به موبایل، مشکلات خانوادگی و خواب‌آلودگی) و عوامل مدرسه‌ای را در (شامل طولانی بودن ساعات آموزشی، ضعف استانداردهای فیزیکی کلاس و ضعف محتوایی کتب درسی و جزوه نویسی) می‌دانستند. نتایج تحقیق حاضر بیانگر احتیاج مبرم نظام آموزشی به تغییرات اساسی در ابعاد مختلف آموزشی و لزوم مداخله‌های موثر در این راستا است.

کلید واژه‌ها: کم توجهی، مطالب درسی، دوره متوسطه

^۱ - استادیار گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول) Ja_abdeli@yahoo.com

^۲ - گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

^۳ - گروه علوم تربیتی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

مقدمه

دوره متوسطه از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. دوره‌ای است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان آن با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و ممیزاتی دارد و دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را در بر می‌گیرد و در انتهای طیف به دنیای جوانی می‌رسد. در دوران دبیرستان است که پایه‌های شغلی و تحصیلات عالی هر فردی بنا نهاده می‌شود. در دوره متوسطه، قسمت اعظم استعدادها و اختصای نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری آنان به حد اعلاء خود می‌رسد، کنجکاوی آنان جهت معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند؛ از این رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت زیادی دارد (طالع زارعی، ۱۳۹۵).

فرآیند یادگیری بدون تمرکز حواس و توجه لازم، نمی‌تواند انجام پذیرد. در برنامه‌های آموزشی جلب توجه کودکان و دانش‌آموزان، قبل و حین آموزش از مهم‌ترین وظایف مسؤلیت‌های مربیان است. بسیاری از دانش‌آموزان علی‌رغم این که از ظرفیت هوشی متوسط یا بالاتر برخوردارند، صرفاً به لحاظ این که دامنه توجه آنها فوق‌العاده اندک است، قادر نیستند به گونه‌ای که انتظار می‌رود توفیقات چندانی در یادگیری مطالب و پیشرفت تحصیلی داشته باشند. پدیده کم توجهی یا اختلال کمبود توجه، توصیف وضعیت دانش‌آموزانی است که عمدتاً بدون دلیل خاصی بی توجهی، زود برانگیختگی از خود نشان می‌دهند (امیری، ۱۳۹۵). توجه و تمرکز در کلاس درس می‌تواند مشکلات بسیاری را در کشورما حل کند چرا که آینده‌سازان کشور از پشت همین نیمکت‌های مدرسه وارد بازار کار می‌شوند، اگر دانش‌آموزان در کلاس درس توجه کافی را داشته باشند و با یادگیری به مراحل بالاتر بروند؛ دیگر مشکل فارغ‌التحصیلان بی‌سوادی که در جامعه به عنوان کارشناس مشخص می‌شوند حل می‌شود، چه بسیار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که به دلیل مشکلات توجه و تمرکز در کلاس و عدم یادگیری واقعی که ریشه در دوران ابتدایی و دبیرستان دارد وارد جامعه می‌شوند. دانش‌آموزان که دچار مشکل کم‌توجهی هستند، غالباً در خود فرو رفته‌اند یا بسیار درگیر تخیلات خود هستند، گویی در دنیای دیگری سیر می‌کنند، یا به قول والدین در دنیای خود هستند. دسته دیگری از دانش‌آموزان کم توجه شدت فعالیت‌های بیش از حد از خود بروز می‌دهند و یا حتی ممکن است شدیداً پرخاشگری نشان دهند. (زرگری نژاد، ۱۳۸۶). دوره متوسطه، از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره

بسیار مهمی است. دوره‌ای که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد و گروه کثیری را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ از این‌رو هر نوع نارسائی و خلل در این دوره مستقیماً بر عملکرد و کیفیت که هر دو حلقه آموزش، عمومی و عالی، تأثیر بسزائی خواهد داشت. بنابراین تحقیق حاضر در پی آن است تا عوامل موثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه شهر قوشچی را شناسایی و بررسی کند.

توجه و تمرکز یکی از این استعدادهای ذاتی در انسان است (حارث آبادی، رئوفیان، اخلاقی، جامچی، صالحی، ۱۳۹۵: ۲۳۸). توجه و یا تمرکز، به تأثیر یک مشخصه بر واکنش فردی یا تأثیر مشخصه بر یادگیری اشاره دارد. اگر فرد به آن مشخصه توجه داشته باشد، واکنش و یادگیری او نسبت به آن مشخصه صورت می‌گیرد. از آنجائی که توجه یک واکنش فراگرفته‌شده نسبت به محرک‌ها است، میزان یادگیری توجهی نیز به قدرت و توانایی فرد در این امر بستگی دارد. اگر فرد یاد بگیرد که یک مشخصه خاص مستلزم یک واکنش متناسب با آن است، این را نیز یاد می‌گیرد که باید به آن مشخصه توجه نماید. اگر آموزش مبتنی بر این اصل باشد که مشخصه‌های خاص با واکنش‌های خاص مرتبط هستند، میزان توجه فرد به مسائل درسی به عنوان مشخصه‌هایی که مستلزم واکنش‌های یادگیری خاص هستند اهمیت می‌دهد (کروشک^۱، ۲۰۰۰). توجه و دقت شرط ضروری تعلیم و تربیت است و مهم‌ترین نقش را در آموزش به عهده دارد و می‌تواند در محیط‌های آموزشی تمام اهداف و کوشش‌ها را به ثمر رسانده یا بی‌نتیجه گرداند. چرا که ممکن است بهترین برنامه‌های آموزشی با برترین هدف‌ها، بدون توجه با ابعاد مختلف این پدیده، کوچک‌ترین تأثیری نداشته باشد. شناخت عوامل مؤثر در کم‌توجهی دانش‌آموزان و بررسی علل کم آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر بگذارد (نوری زاده، ۱۳۹۱).

کم توجهی^۲ به معنای عدم تمرکز بر روی مطالب درسی در کلاس و عدم توجه به محرک‌های بیرونی است. (فردوسی، ۱۳۸۰: ۲۴). عدم تمرکز و توجه در کلاس درس از عوامل افت تحصیلی فراگیران است و تعیین نقش هر یک از عوامل مؤثر در تمرکز و توجه فراگیران در کلاس درس می‌تواند دست اندرکاران را در طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای در جهت پیشگیری از عدم تمرکز در کلاس‌های درس یاری کند لذا ضروری است که عوامل تأثیر گذار بر تمرکز و توجه در

^۱ . Kruschke, J. K.

^۲ . carelessness

کلاس درس مورد بررسی قرار بگیرد (حارث آبادی، رئوفیان، اخلاقی، جامچی و صالحی، ۱۳۹۵: ۲۶۳). از نظر برونر^۱ یادگیری تابع فرصت‌ها و امکان‌هایی است که موقعیت‌ها برای ما فراهم می‌سازند، بنابراین اگر دانش آموز به موقعیت‌ها توجه نکند یادگیری صورت نمی‌گیرد. تمرکز حواس در هر کاری از جمله در فراگیری مباحث درسی در کلاس از ضروریات قطعی یادگیری و آموزش و تضمین کننده امر یادگیری و انجام صحیح کارها بوده و موجب پیشرفت تحصیلی می‌شود (کروملی^۲، ۲۰۱۳). دقت و تمرکز امری اکتسابی است و با تغییر برخی الگوها می‌توان در بهبود و تقویت آن کوشید (مهر علی زاده، قربانی، ذوالفقاری، شاهین فر، نیکخواه و پورعزیزی، ۱۳۹۲: ۶۶۴). استاکول^۳ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "کار با کودکان بی توجه" به بررسی مشکلات کودکان در ارتباط با کم توجهی کودکان در محیط کلاسی و انجام تکالیف خانه پرداخته و به جای برجسب گذاری به مشکلات کودکان سعی در شناسایی و تبیین علل آن نموده است. از نظر استاکول گام اول در این مهم و رفع آن شناسایی عواملی است که موجب بروز این مشکلات می‌شوند. استاکول در تحقیق خود به شناسایی هفت عامل مهم درونی و بیرونی در کم توجهی دانش‌آموزان پرداخته است. (۱) عوامل فیزیکی و پزشکی همچون تغذیه، استفاده از داروهای پزشکی با عوارض جانبی؛ (۲) عوامل انگیزشی برای ترغیب دانش‌آموزان از سوی معلمان و والدین؛ (۳) عوامل عاطفی در برهم‌کنش‌های خانوادگی و اجتماعی در خانه و محیط مدرسه؛ (۴) عوامل اجتماعی همچون آموزش مهارت‌های جمعی و تعاون و ایجاد فرصت برای بهره‌گیری از آنها؛ (۵) عوامل اعتقادی در مورد باور فرد به توانایی خود و دیگران؛ (۶) عوامل محرک که باعث اختلال در یادگیری می‌شوند؛ (۷) عوامل انفعالی همچون بی‌علاقگی به شرکت در فرآیندهای کلاسی (امام وردی و جعفری، ۱۳۹۶).

عوامل مؤثر در کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی از موضوعاتی است که همواره مورد توجه پدران و مادران، معلمان و دست‌اندرکاران به‌ویژه اولیای تعلیم و تربیت بوده است. باتوجه به تجارب زیسته محقق تحقیق علمی در این مورد می‌تواند امکان آن را فراهم آورد که تا حدود زیاد از ورود تحریک‌های مختلف به صحنه هوشیار ذهن دانش‌آموز جلوگیری کند و تعداد معدودی از آن محرک‌ها را که در یادگیری و توجه بیشتر به آن مؤثر است، مشخص نماید. تحقیق حاضر تلاشی است برای شناسایی

1 . Bruner

2 . Crumley

3 . Stackool

ابعاد مختلف کم توجهی در میان دانش‌آموزان منطقه قوشچی تا با شناسایی عوامل مؤثر بر آن راهگشای مشکلات آموزشی و چالش‌های پیش روی معلمان و دانش‌آموزان گردد.

سوال‌های تحقیق

- عوامل مؤثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه شهر قوشچی از دیدگاه دانش‌آموزان کدامند؟

- عوامل مؤثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه شهر قوشچی از دیدگاه معلمان چیست؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش کیفی از نوع پدیدار شناختی می‌باشد. دلیل گزینش روش پدیدارشناختی^۱ این بوده است که بر پایه فرض منطقی، افراد بهترین مرجع برای توصیف موقعیت، احساس و تجربه با واژگان خودشان هستند. به عبارت دیگر بر اساس اهدافی که محققان به دنبال کشف آن بودند، جستجوی پاسخ سوال تحقیق، از میان تجربیات زیسته افراد مورد مصاحبه صورت گرفت؛ چرا که غنی ترین اطلاعات در این پژوهش از طریق تحقیق فنومنولوژیک فراهم می‌شود. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی معلمان و دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر قوشچی تشکیل می‌دادند که به ترتیب ۱۵۴ نفر (۸۰ معلم مرد و ۷۴ نفر معلم زن) و ۶۵۰ نفر (۳۵۰ دانش آموز پسر و ۲۷۰ دانش آموز دختر) بودند. روش نمونه گیری با توجه به هدف تحقیق هدفمند یا گزینشی بوده و معیار حجم نمونه نیز اشباع داده بود. به عبارت دیگر، نمونه گیری تا هنگام اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع داده‌ها در تحقیق کیفی هنگامی که دست می‌آید که داده‌ها تکراری شده و کد تازه ای بدست نیاید. در پژوهش‌های کیفی^۲، اشباع داده‌ها نشانه کفایت حجم نمونه است. در این مطالعه نیز اطلاعات پس از انجام مصاحبه با نفر ۱۷ دانش‌آموزان و ۱۵ نفر معلم به اشباع رسید. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختارمند و پرسش‌های باز استفاده شد. به بیانی دیگر، برای دست یافتن به هدف‌های تحقیق، از مصاحبه‌های کیفی نیمه ساختاریافته و عمیق با نمونه‌های آماری استفاده گردید. بدین صورت که پس از ضبط مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، متون مصاحبه‌ها مورد تجزیه و تحلیل پدیدارشناسانه قرار گرفت. در این پژوهش از سئوال‌ات معطوف به هدف پژوهشی استفاده شده و سئوال‌ات مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته و

^۱.Phenomenological

^۲.Qualitative

هدف آنها کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه شونده خواهند بود. اطمینان از دقت و کیفیت و درستی داده‌ها، همواره یکی از هدفهای مهم در هر تحقیق کیفی به شمار می‌رود. اطمینان از دقت و کیفیت و درستی داده‌ها، همواره یکی از هدفهای مهم در هر تحقیق کیفی به شمار می‌رود. چهار معیار برای اثبات موثق بودن یک تحقیق کیفی عبارت‌اند از: معتبر بودن یا مقبولیت، قابلیت وابستگی، قابلیت انتقال و تأیید پذیری (استروبرت و کارپنتر، ۲۰۰۷). در این تحقیق محقق با در نظر گرفتن این معیارها، از روش‌های مختلفی مانند: تخصیص زمان کافی برای گردآوری داده‌ها، کمک گرفتن از نظرهای دو نفر از اعضای هیات علمی آشنا با تحقیق پدیدارشناسی و جستجو برای موارد منفی و مغایر یا توضیحات جایگزین، همچنین استفاده از یک رویکرد گروهی سعی در اعتبار یافتن هر چه بیشتر داده‌ها نمود. همچنین یافته‌ها در گروه مقایسه شده تا تمامیت توصیف‌های موضوعی را افزایش دهند. معتبرسازی نهایی یافته‌ها در بررسی، از راه برگرداندن نتایج به مشارکت‌کنندگان و تأیید آنان از نظر اینکه شناسه‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها انعکاسی از منظور آنان از بیان جمله‌های یاد شده است به دست آمد. همچنین روایی صوری و محتوایی سئوالات مصاحبه توسط اساتید راهنما و مشاورت با دیگر اساتید انجام گرفت و از آنجایی که این پژوهش، کیفی بوده و هدف آن تعمیم نتایج به موارد دیگر نیست، از این رو صرفاً برای حصول اطمینان از قابلیت وابستگی داده‌های پژوهشی، محقق پس از استنتاج از متن مصاحبه‌ها آنها را به مصاحبه شونده‌گان ارائه کرده و نظر تأییدی آنان را اخذ نمود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد که شامل خواندن یافته‌های مهم و هم احساس شدن با افراد شرکت‌کننده به منظور درک افراد و استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده، دسته‌بندی مفاهیم و خوشه‌های بدست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه‌ای داده‌ها، توصیف پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به شرکت‌کنندگان جهت بررسی اعتمادپذیری نتایج بدست آمده بود. سپس کدگذاری به شیوه کلایزی و استخراج مضمون‌های اصلی و زیر مضمون‌ها انجام گرفت. اعتبار نهایی داده‌ها نیز از طریق نمایش گذاشتن مضمون‌های اصلی و فرعی استخراج شده با معلمان و دانش‌آموزان از طریق تماسها و مکاتبات پی در پی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش نشان می‌دهند که از مجموع ۱۷ نفر دانش‌آموز مصاحبه شده، ۱۰ نفر دانش‌آموز دختر (۵۸/۸۲ درصد) و ۷ نفر دانش‌آموز پسر (۴۱/۱۸ درصد)، همچنین از تعداد ۱۵ معلم مورد مصاحبه، ۸ نفر معلم خانم (۵۳/۳۴ درصد) و ۷ نفر معلم آقا (۴۶/۶۶ درصد) بودند.

همان گونه که ذکر شد در تحقیق حاضر برای جوابگویی به سوالات تحقیق سه مرحله به ترتیب ذیل انجام شد. (۱) تدوین پرسش‌های پژوهش (۲) گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله اشباع برسیم (۳) کدگذاری داده‌ها (یافتن مفاهیم در داده‌ها).

یافته‌های حاصل از محتوای مصاحبه‌های دانش‌آموزان در دو مضمون اصلی و ۶ مضمون فرعی دسته بندی شده اند که در جدول شمار ۱ گزارش شده است. همانطور که مشخص است دانش‌آموزان به دو دسته عوامل فردی که شامل (بی‌انگیزگی ناشی از مشاهده افراد ناموفق، بی‌هدفی و ابهام در آینده شغلی و اسناد بیرونی) و عوامل مدرسه‌ای (کمبود امکانات، تدریس نادرست معلم، نامناسب بودن محتوای کتاب‌های درسی و خستگی و خواب‌آلودگی در کلاس) به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر بی‌توجهی دانش‌آموزان دوره متوسطه به مطالب معلم در کلاس درس اشاره می‌کنند.

جدول ۱: مضمون‌های اصلی و فرعی عوامل مؤثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه از

دیدگاه دانش‌آموزان

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
(۱) عوامل فردی	۱- بی‌انگیزگی ناشی از مشاهده افراد ناموفق ۲- بی‌هدفی و ابهام در آینده شغلی ۳- اسناد بیرونی
(۲) عوامل مدرسه‌ای	۱- کمبود امکانات ۲- تدریس نادرست معلم ۳- ضعف محتوایی کتب درسی ۴- طولانی بودن ساعات آموزشی

مضمون اصلی ۱: عوامل فردی:

مطالعه و تحلیل تجارب دانش‌آموزان نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی دانش‌آموزان در توجه بهینه به مطالب درسی در کلاس مربوط به عوامل فردی و شخصی است که به صورت مضمون‌های فرعی ذیل نمود پیدا می‌کند.

۱ - ۱ - بی‌انگیزگی ناشی از مشاهده افراد ناموفق:

متأسفانه واقعیت این است که امروزه با توجه به شرایط کشور از لحاظ جمعیت، جوان بودن، بیکاری، مشکلات لجام‌گسیخته اجتماعی، و غیره، خانواده‌ها از موفق بودن فرزندان خود بعد از تحصیلات دانشگاهی اطمینان ندارند، چرا که بسیاری از جوان‌هایی دارای تحصیلات عالی دانشگاهی را مشاهده می‌کنند که به دلایل متعدد وارد بازار کار نشده‌اند و بعد از تلاش‌های بسیار به کارهای فنی یا تجاری و... که با یک دیپلم هم می‌شد انجام داد روی آورده‌اند. هم‌اکنون امر باعث کم‌انگیزگی و سرخوردگی آنان و خانواده‌هایی شده است که سال‌های متمادی چشم‌امید به آینده دوخته‌اند و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نکرده‌اند. این مشکلات و تغییر نگرش خانواده‌ها به تحصیل باعث شده است دانش‌آموزان دبیرستانی علاقه‌چندانی به تمرکز و توجه به دروس نداشته باشند و فقط تعداد معدودی که به واقعا به درس علاقه دارند، بقیه برای رفع تکلیف به مدرسه می‌آیند و توجه عمیقی به دروس ندارند. نمونه‌ای از این ادعا در اظهارات مشارکت‌کنندگان چنین نمایان شده است.

«... با این شرایطی که ما داریم تو این زمنه مگه درس چه ارزشی داره که بخوای برایش زیاد وقت بزاری. ما یه نفر توی طایفمون داریم که فوق لیسانس خونده ولی بیکاره...» «دانش‌آموز شماره ۴». دانش‌آموزان شماره ۸ دلیل بی‌توجهی به درس را این چنین بیان می‌کنند: «امسال هم تموم بشه دیگه دیپلم رو می‌گیرم میرم پیش داداشم کار می‌کنم. درس خونده هاش چی کار میکنن آخه خود داداشم لیسانس داره». آدم وقتی این همه تحصیل کرده رو می‌بینه از خودش می‌پرسه چه لزومی داره درس بخونیم آخرش که چی» «دانش‌آموز شماره ۱۵»

۱ - ۲ - بی‌هدفی و ابهام در آینده شغلی

این سوال که در آینده می‌خواهم چه کاره شوم، همواره سوالی بوده است که از همان دوران ابتدایی از دانش‌آموزان و کودکان پرسیده می‌شود، ولی امروزه با توجه به مشکلات بیکاری و دورماندن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از بازار کار این سوالی است که دانش‌آموزان دبیرستانی پاسخ منطقی برای آن ندارند، و انگار هدفی برای آن در نظر نگرفته‌اند، برخی چشم به کارهای تجاری دارند و امیدی در

درس خواندن نمی بینند و برخی هم چشم به نتایج کنکور دارند تا ببینند در آینده امکان دارد چه کاره شوند. به هر حال نداشتن هدف مشکلی شده است تا آنها به کلاس درس کم توجه باشند.

دانش آموز شماره ۳ در این مورد می‌گوید «خود را بکش درس بخون، جوونیت را بزار، ولی آخره سر، سرت بی کلاه می‌مونه». یا دانش آموز شماره ۸ معتقد است که «این همه وقت بزار، درس بخون، کلی خرج کن، ولی زمانی که نمیتونی شغل مناسب پیدا بکنی دیگه چه هدفی باید برای درس خوندن داشته باشم ها. . .». «یا باید پزشکی بخونی یا دیگه هیچ رشته ای به درد نمی خوره چون بازار کار نداره. فقط یه دیپلم بگیریم کافیه» دانش آموز شماره ۱۷.

۱ - ۳ - اسناد بیرونی

اسناددهی علت‌ها یا عامل‌هایی هستند که افراد برای برای توجیه شکست‌ها و موفقیت‌های خود بر می‌گزینند. به بیانی دیگر نظریه نسبت دادن به ما می‌گوید که چگونه تبیین‌ها، توجیه‌ها و بهانه‌های فرد در باره خودش و دیگران بر انگیزش او تاثیر می‌گذارد (سیف، ۱۳۹۱: ۲۳۹). در این راستا تحلیل تجارب ماحبه‌شوندگان نشان می‌دهند که آنها علت اینکه به مطالب درسی کم توجهی می‌کنند این است که آنان با مشاهده افراد بی‌کار تحصیل کرده و یا ناکارآمدی که در جامعه وجود دارد و اینکه احیانا با پارتی به صاحب شغل شده‌اند، به این نتیجه می‌رسند که رفتارها و مهارت‌های تحصیلی خود آنها نهایتا تاثیری در موفقیت آنها نخواهد داشت، به عبارت دیگر در آینده به خاطر این تلاش‌ها تقویت دریافت نمی‌کنند. لذا در اینجاست که ایمان خود را برای نیل به موفقیت از طریق تحصیل و کنترل زندگی خویش از دست می‌دهند. بنابراین با مشاهده دیگران و وضعیتی که بر آنها مترتب است انگیزششان از دست می‌رود. به بیانی بهتر آنها عوامل بیرونی را مسئول این کم توجهی خود می‌دانند نه عوامل درونی را.

بعضی از عبارات مصاحبه‌شوندگان گویای این واقعیت است. «آخه واسه چی درس بخونم، من میدونم هر چقدر هم تلاش کنم اخرش میشم مثل اقای. . . همسایه خودمون که با هزار پارتی تونست برای خودش یه کار پیدا کنه اونم کجا. . .» (دانش آموز شماره ۸). یا این نقل قول: «همیشه پسر فالانی را می‌بینم به زمین و زمان فحش می‌دم که چرا باید این همه درس بخونی اونم کجا دانشگاه تهران، بعد بری دستفروشی کنی. . . شما بگین خدا را خوش میاد» (دانش آموز شماره ۱۱).

مضمون اصلی ۲: عوامل مدرسه ای:

یافته‌های این تحقیق نشان داد که دانش‌آموزان عوامل محیطی را نیز یکی از عامل‌های اصلی کم توجهی به درس در کلاس می‌دانند که مضمونهای فرعی کمبود امکانات مدرسه، تدریس نادرست معلم، نامناسب بودن محتوای کتاب‌ها و خستگی در کلاس را از در بر می‌گیرد. در زیر به توضیح و نقل قول‌هایی از دانش‌آموزان در مورد هر کدام پرداخته شده است.

۲ - ۱ - کمبود امکانات:

به اعتقاد دانش‌آموزان کمبود امکانات مدرسه، یکی از عوامل مهم محیطی هستند که باعث می‌شوند دانش‌آموزان به درس و مدرسه کم علاقه شوند. به اعتقاد آنها در دوران دبیرستان دروس عملی بیشتری حتی در رشته‌های نظری هم وجود دارد، مثل فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی، ورزش و غیره. . . . ولی امکانات آموزشی کافی برای پوشش بهینه اینها وجود ندارد، لذا می‌توان این عامل را نیز به عنوان یکی از عوامل کم توجهی در نظر داشت. گزیده‌هایی از نقل قول‌های دانش‌آموزان بدین شرح است:

دانش‌آموز شماره ۱ در این مورد می‌گوید: «وقتی درس آزمایشگاه فیزیک در کلاس تئوری تدریس شود دیگه چه فایده ای داره گوش کنیم میریم خونه از روی کتاب می‌خونیم دیگه». دانش‌آموز شماره ۱۵ در مورد امکانات مدرسه اعتراض دارد و می‌گوید: «آزمایشگاه شیمی می‌رویم وسایل کم داریم. ورزش میریم همین طور، این موارد باعث میشه درس برای آدم بی ارزش بشه. « دانش‌آموز شماره ۱۲ در این مورد معتقد است: «وقتی امکانات نیست به چی گوش بدیم».

۲ - ۲ - روش‌های تدریس معلم:

استفاده از شیوه‌های نوین یاددهی و یادگیری در کلاس درس از مهمترین عوامل و راهبردهایی هستند که می‌تواند توجه دانش‌آموز را به کلاس درس معطوف کند. ولی به زعم بسیاری از اندیشمندان معلمان فقط شیوه‌های فعال تدریس را شنیده‌اند و از کاربرد عملی آنها در کلاس درس اطلاع ندارند. به اعتقاد دانش‌آموزان همه معلمان فقط با سخنرانی آموزش می‌دهند که این خود به خود باعث خستگی مفرط دانش‌آموزان می‌شود.

دانش‌آموز شماره ۷ در این مورد می‌گوید: «معلم‌ها بلد نیستن خوب درس بدن، روش تدریس بلد نیستن، آدم تو کلاس خوابش می‌گیره». دانش‌آموز دیگری معتقد است: «معلم می‌تواند حواس دانش‌آموزان را به کلاس جلب کند. کل دو ساعت رو که همیشه یه صدای یک نفر گوش داد و چیزی

نگفت خوب آدم حواسش پرت میشه». «معلمان ابتدایی شور و حال بیشتری دارند. در دوران دبیرستان معلم‌ها خیلی خشک هستند، اصلا به روحیه دانش‌آموزان فکر نمی‌کنند و فقط درس میدن».

۲-۳ - ضعف محتوایی کتب درسی

نا مناسب بودن و نامتناسب بودن محتوای دروس یکی از دلایلی است که دانش‌آموزان آن را از دلایل کم توجهی به درس در کلاس عنوان کرده‌اند. دانش‌آموز شماره ۶ در این مورد نظر می‌دهد: «کتاب‌های درسی هم مشکل دارند، گاهی بر روی یک مطلب راحت‌انقدر تکرار وجود داره و بر عکس یک مطلب مشکل اصلا توضیح نداره». دانش‌آموز دیگری معتقد است «معلمان به جای تمرین و تکرار در کلاس جزوه می‌نویسیم. تو کلاس فقط حواسمون است که عقب نمونیم به خود درس توجه نداریم». دانش‌آموز شماره ۱۳ در این مورد می‌گوید: «چرا کتاب‌های علمی طوری نوشته می‌شوند که معلم دوباره باید برای اون جزوه بگه. کل وقت کلاس به نوشتن جزوه می‌گذره و بعد میریم خونه اون رو می‌خونیم».

۲-۴ - طولانی بودن ساعات آموزشی

دانش‌آموزان این دوره معتقد بودند که نشستن طولانی مدت در کلاس درس نه تنها باعث خستگی مفرط آنها می‌شود بلکه تمرکز کافی را نیز از آنها می‌گیرد. به زعم آنها این ساعت طولانی (یک ساعت و چهل و پنج دقیقه در کلاس و یک ربع استراحت) برای دوره دبیرستان بسیار طولانی است و باعث می‌شود عملاً دانش‌آموزان به مطالب معلم گوش ندهند.

دانش‌آموز شماره ۹ در این مورد می‌گوید: «اوایل کلاس خیلی خوب به درس گوش می‌دهم ولی در نیم ساعت آخر دیگه چیزی نمی‌فهمم». یا دیگری اینگونه بیان می‌کند «خوب آدم وسطای کلاس دیگه خسته میشه کاش معلمان در وسط کلاس به ده دقیقه درس بدن و بعد دوباره شروع کنن» (دانش‌آموز شماره ۲). «خودمونیم‌ها شما می‌تونید یک ساعت و چهل و پنج دقیقه بدن اینکده خسته بشی با تمام توان به درس گوش بدی و همه چیز را خوب بفهمی. واقعا نمیشه که» (دانش‌آموز شماره ۱۰).

اما یافته‌های حاصل از تحلیل تجارب معلمان به عنوان دومین سوال تحقیق نشان

می‌دهند که معلمان نیز کمابیش شبیه دانش‌آموزان برای توجیه علل بی توجهی به مطالب به دو دسته بزرگ تحت عنوان عوامل فردی و مدرسه‌ای یا محیطی اشاره می‌کنند. در بعد فردی آنها (مشکل تمرکزذهنی، اعتماد به نفس بالا، درگیری فکری و بازی با تلفن همراه، مشکلات خانوادگی و خواب

آلودگی، علاقه مند نبودن به موضوع درس، کمبود انگیزه برای تحصیل) و در بعد محیطی (طولانی بودن ساعات آموزشی، مشکلات فیزیکی کلاس، گرما یا سرما و مشکل جزوه نویسی) را از مهمترین علل بی توجهی به مطالب درسی در کلاس می‌دانند.

جدول ۲. یافته‌های عوامل مؤثر بر کم توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی دوره متوسطه از دیدگاه معلمان

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
عوامل فردی	۱) کاهش انگیزش پیشرفت
	۲) سردرگمی هویت
	۳) مشکل تمرکز ذهنی
	۴) اعتماد به نفس کاذب
	۵) اعتیاد به موبایل
	۶) مشکلات خانوادگی
	۷) خواب آلودگی
عوامل مدرسه‌ای	۱) طولانی بودن ساعت آموزشی
	۲) ضعف استانداردهای فیزیکی کلاس
	۳) ضعف محتوایی کتب درسی و جزوه نویسی

مضمون اصلی ۱: عوامل فردی:

مطالعه و تحلیل تجارب معلمان نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی دانش‌آموزان در توجه بهینه به مطالب درسی در کلاس مربوط به عوامل فردی و شخصی آنهاست که به صورت تم‌های فرعی ذیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱-۱ - کاهش انگیزش پیشرفت:

انگیزه پیشرفت گرایشی است برای ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است (شهرآرای، ۱۳۸۵). با وجود انگیزه پیشرفت، دانش‌آموزان تلاش و پشتکار خود را برای انجام بهتر تکالیف بکار می‌گیرند و معیارهای عالی عملکرد را دنبال می‌کنند. بررسی تجارب معلمان مدرسه چالش‌های اساسی دانش‌آموزان در ارتباط با انگیزه پیشرفت را آشکار ساخت. معلمی معتقد است: «من انگیزه زیادی تو بچه‌ها نمی‌بینم که مثل بخوان با درس خوندن بهتر به جاهای خوب برسن» (شماره ۲). یا این نقل قول: «. . الان دانش‌آموزها توجه چندانی به درس و امتحان و تکلیف و نمره بهتره و این چیزها ندارن، بویژه اینکه در طول ترم هیچ برنامه ریزی برای کارهاشون نمیکنن» (معلم شماره ۶). اولیای

دانش‌آموزها هم خیلی از این موضوع شاکی هستن که چرا بچه‌هاشون اینقدر بیخیال شدن به درس و امتحان» (شماره ۱۵).

۱ - ۲ - سردرگمی هویت:

یکی دیگر از چالش‌های اساسی دانش‌آموزان این دوره را بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، که باعث وجود مشکلات فراوان و متعاقب آن بی توجهی به مطالب درسی می‌شود، میتوان سردرگمی هویت نامید. هویت نمایی از مجموع مشخصه‌های شخصیتی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی، ملی و جسمی افراد است که بر اساس تجارب مختلف شکل می‌گیرد و از نشانه‌های هویت رشد یافته و سازش‌پذیر این است که باید برای خود فرد و دیگران قابل‌شناسایی و پیش‌بینی باشد. نقل قول‌های ذیل این واقعیت را منعکس می‌کنند.

«بنظرم اینهمه آزمون و خطایی که الان تو نوجوون‌ها و جوون‌ها شاهد هستیم، بخاطر اینه که هیچ شناختی از خودشون ندارن و تلاشی هم نمیکنن، نمی‌دانند که باید چیکار کنند، نمی‌دونند درس خوندن چه فوایدی می‌تونه برایشون داشته باشه، بعضی از آنها اصلا تو کلاس نیستند. . .» (معلم شماره ۱۴). یا معلم دیگری چنین می‌گوید «بچه‌ها هر روز خودشون رو به شکل یه بازیگر، هنرپیشه یا. . . در میان، اینا اصلاً نه به اصالت فرهنگی و نه خانوادگی خودشون توجه نمیکنن، لب کلاه اینها حواسشون یه جایه دیگه است به درس و مشق اهمیتی نمیدن».

۱ - ۳ - مشکل تمرکز ذهنی

معلمان معتقد هستند که برخی از دانش‌آموزان واقعا مشکل ذهنی یا گاه جسمی دارند که نمی‌توانند به درس توجه کنند. در زیر نقل قول‌هایی از آنان ذکر شده است. معلم شماره ۳ در این مورد اظهار می‌دارد: «دانش‌آموزانی که در دوران ابتدایی مشکل بی توجهی دارند، یا دانش‌آموزان دیر آموز و . . . در دوران دبیرستان نیز همین مشکل رو دارن و ما نمی‌تونیم کاری بکنیم». معلم شماره ۱۱ در این مورد می‌گوید: «میزان تمرکز در افراد مختلف متفاوت است برخی دانش‌آموزان به طور ذاتی تمرکز کمی دارند و برای همین در کلاس کم توجه هستند». «. . . یا بعضی از دانش‌آموزان مشکل جسمی و گاه ذهنی دارند و نمی‌توانند خوب دقت کنند و به مطالب ارایه شده تمرکز داشته باشن».

۱- ۴- اعتماد به نفس کاذب

بررسی تجارب معلمان نشان می‌دهد که بعضی از دانش‌آموزان در این دوره اعتماد به نفس کاذب بالایی دارند. به زعم آنها اعتماد به نفس ویژگی خیلی خوبی است ولی اگر بیش از حد باشد ممکن است مشکلاتی به وجود آورد طوری که فرد احساس می‌کند برای هیچ کاری نیاز به راهنمایی ندارد. معلمان در مصاحبه‌ها به این مورد در دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند و آن را یکی از دلایل کم توجهی در کلاس می‌دانند.

معلم شماره ۱۴ در این مورد می‌گوید: «بعضی از دانش‌آموزان چون سابقه تحصیلی خوبی در سال‌های قبل دارند و همیشه مورد تشویق خانواده‌ها و معلمان بوده‌اند، احساس می‌کنند همه چیز را می‌دانند و نیازی نیست گوش کنند». معلم شماره ۱۴ در این مورد این گونه نظر می‌دهد: «بعضی از دانش‌آموزان فکر می‌کنند بروند خانه و مطالعه کنند همه چیز را یاد می‌گیرند و در کلاس به درس گوش نمیدن. اصلاً گاهی وجود ما را کاذب می‌دانند»

۱- ۵- اعتیاد به موبایل

واقعیت این است که علاقمندی به فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات به یکی از اصلی‌ترین دلمشغولی‌های زندگی ما شده است، ولی گاهی این علاقمندی طوری است که در شخص وابستگی یا اعتیاد را ایجاد می‌کند. دانش‌آموزان هم از این امر مستثنی نیستند مخصوصاً آنها در یک سنی قرار دارند که کشش و اعتیاد آنها به این پدیده مخصوصاً موبایل روز به روز بیشتر می‌شود. به زعم معلمان هرچند قوانین متعددی برای کاهش این مشکلات در مدرسه ایجاد شده است، ولی همچنان این امر به یک معضل مدرسه‌ای تبدیل شده است. تحلیل مصاحبه‌های معلمان این واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد:

معلم شماره ۱ در این مورد می‌گوید: «گاهی در کلاس متوجه می‌شوم که بچه‌ها دارن با موبایل بازی می‌کنن، و توجهی به درس ندارن، تذکر می‌دهم ولی نه آشکار می‌ترسم وضع بدتر نشود». یا معلم دیگری وضعیت را اینگونه تفسیر می‌کند «موبایل بازی شده آفته دانش‌آموزی در مدرسه. گوشه‌ای از دسته بچه‌ها می‌گیری یه پیامدی داره و نمیگیری یه پیامد دیگه داره. اونم از دسته این نوجوون‌ها. درس میدی می‌بینی نصفه کلاس داره با موبایل بازی می‌کنند و توجهی به درس ندارند. . .» (شماره ۸).

۱ - ۶ - مشکلات خانوادگی

داشتن مشکلات خانوادگی در بین دانش‌آموزان هم یکی از مواردی است که باعث می‌شود که تمرکز و دقت کافی برای حضور بهینه در کلاس برای دانش‌آموزان اتفاق نیفتد. این مشکلات اغلب به دلیل فقر مادی والدین در این منطقه و فقر آگاهی اتفاق می‌افتد و نمود آن در مدرسه به وضوح دیده می‌شود.

معلم شماره ۱۲ در این مورد می‌گوید: «بعضی از دانش‌آموزان پیش من میان و با من درد و دل می‌کنند، مشکلات خانوادگی دارن، بعضی‌ها خانوادشون مشکل مالی داره، بعضی مشکل عاطفی و... به هر حال این دانش‌آموزان افت تحصیلی زیادی دارند». معلم شماره ۹ در این مورد معتقد است: «متأسفانه بعضی از دانش‌آموزان قربانی مشکلات خانوادگی می‌شوند و روحیه خوبی ندارند»

۱ - ۷ - خواب آلودگی

خواب آلودگی نیز یکی از مواردی است که معلمان در مصاحبه‌های خود به آن اشاره کرده‌اند. از نظر معلمان دانش‌آموزان شب‌ها سر موقع نمی‌خوابند و این امر باعث خواب آلودگی آنها در مدرسه می‌شود و نمی‌توانند به درس توجه کنند. معلم شماره ۱۱ در این مورد می‌گوید: «بعضی خانواده‌ها فکر می‌کنند چون این دانش‌آموز بزرگ شده می‌تواند شب‌ها تا دیر وقت بیدار بماند ولی به این مسئله توجه ندارند که چطور فردا این دانش‌آموز در کلاس می‌نشیند». معلم شماره ۶ در این مورد گله مند است و می‌گوید: «همیشه زنگ‌های اول در نوبت صبح و زنگ‌های وسط در نوبت بعد از ظهر دانش‌آموزان خواب آلود هستند که دلیل آن دیر خوابیدن در شب‌ها است».

مضمون اصلی ۲: عوامل مدرسه‌ای:

معلمان نیز همانند دانش‌آموزان برخی از عوامل محیطی در مدرسه و کلاس را نیز بیه عنوان یکی از عوامل اصلی کم توجهی دانش‌آموزان در کلاس درس می‌دانند. در مصاحبه‌های انجام شده معلمان طولانی بودن ساعات آموزشی، مشکلات فیزیکی کلاس و گرما و سرما را از جمله موارد این عامل بیان کرده‌اند که در ادامه به توضیح و نقل قول هایی از آنها پرداخته شده است.

۲ - ۱ - طولانی بودن ساعات آموزشی

تحلیل مصاحبه‌های معلمان نشان می‌دهد که آنها نیز همانند دانش‌آموزان از طولانی بودن ساعات کلاسی رضایت ندارند. طولانی بودن ساعت کلاس در جاهای مختلف دنیا نسبت به دروس مختلف متفاوت است. مثلاً در کشور ژاپن در کنار دروس تئوری، دروس سرگرمی و مهارت نیز وجود

دارد که باعث می‌شود علیرغم طولانی بودن ساعات آموزشی دانش‌آموزان از این لحاظ خسته نشوند. معلمان در مصاحبه‌های خود به دفعات مختلف وجود ساعات آموزشی طولانی را از مضرات نظام آموزشی دانسته و از لزوم بهره‌مندی از شگردهای مختلف در طول ساعات کلاسی سخن گفته‌اند. معلم شماره ۸ در این مورد می‌گوید: «من معمولاً بعد از هر نیم ساعت که درس می‌دهم با دانش‌آموزان شوخی می‌کنم، یا کاری می‌کنم کمی بخندند، این طوری انرژی خودشان رو دوباره برای بقیه درس بدست میارن.» از نظر معلم شماره ۱۳: «این هنر معلم است که بتواند حواس دانش‌آموزان را دو ساعت در کلاس نگه دارد. چون بالاخره بعد از نیم ساعت یا نهایت ۴۵ دقیقه دانش‌آموز خسته می‌شود.»

۲-۲- ضعف استانداردهای فیزیکی کلاس

مصاحبه‌های انجام شده از معلمان حاکی از آن بود که استانداردهای آموزشی لازم که توسط سازمانهایی از جمله آموزش و پرورش، نوسازی و تجهیز مدارس، کتاب‌ها و نشریات علمی در مورد ویژگیهای مناسب و لازم برای یک کلاس تعیین شده است رعایت نشده است. به اعتقاد آنها مشکلاتی مانند نور و متغیرهای آن، ابعاد ظاهرس کلاس، حرارت و تهویه کلاس، اندازه، صندلی‌ها و... طوری نیستند که بتوانند دانش‌آموزان را نسبت به درس و تحصیل ترغیب کنند و به عبارتی به جای شاداب بودن نوعی دلمردگی در آنها دیده می‌شود. در این راستا تحقیقات مختلف در این زمینه نشان می‌دهند که فضای آموزشی مدارس کنونی ما با ویژگیهای روانی و اجتماعی دانش‌آموزان سازگار نیست (معین پور و همکاران، ۱۳۹۱) در زیر به نقل قول از ایشان پرداخته شده است.

معلم شماره ۶ در این مورد می‌گوید: «کلاس‌ها به خصوص در مدارس غیر دولتی اصلاً استاندارد نیستند. مثلاً وقتی تخته کلاس روبروی پنجره است نا خود آگاه به خاطر نور مستقیمی که بر روی تخته کلاس می‌افتد دانش‌آموز خسته می‌شود.» معلم شماره ۳ در این مورد معتقد است: «در کلاسی که جا تنگ باشد، اندازه کلاس با تعداد دانش‌آموزان متناسب نباشد چطور میتوان انتظار داشت دانش‌آموزی که در گوشه آخر ملاس نشسته به درس توجه کند.»

معلم شماره ۹ در این مورد می‌گوید: «کلاس‌ها باید برای رده سنی مخصوص طراحی شوند، حتی برای رشته خاص، محیط کلاس در توجه دانش‌آموزان بسیار تأثیر گذار است.» معلم شماره ۸ در این مورد اعتقاد دارد: «در زمستان‌ها گرمایش کلاس و در فصلهای گرم خنک بودن کلاس مهم است.»

معلمی که پای تخته است زیاد متوجه نمی شود، دانش‌آموزی که بی تحرک بر روی صندلی نشسته سرما و گرما را احساس می کند و حواسش پرت می شود. «

۲-۳ - ضعف محتوایی کتب درسی و جزوه نویسی

ضعف محتوایی و عدم جذابیت کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان موضوعی است که در سال‌های اخیر، یکی از مهمترین مباحث رشته مطالعات برنامه درسی است. به نظر برنامه ریزان اصول سازماندهی محتوای برنامه درسی با مشکلات زیادی روبروست. متخصصین در این حوزه معتقدند که متن درسی در درجه اول باید روانی و روندگی درونی لازم برای خواننده شدن را داشته باشد. دیگر این که متن درسی باید در نخستین سطور خود مخاطب را دچار «تحمل ابهام» کند. یعنی همان فضای شیرین ندانستن که از دانستن هم شیرین تر است و آغاز علم است. نکته دیگر اینکه به خاطر متمرکز بودن کشور ما گاهی بعضی از عبارات، مثال‌ها و جملات و غیره، برای دانش‌آموزان مناطق مختلف قابل فهم نیست که این هم به نوبه خود مشکلاتی را برای جلب توجه بهینه به مطالب درسی در کلاس ایجاد می کند. گزیده‌های ذیل این واقعیت را منعکس می کنند.

معلم شماره ۶ معتقد است « به خصوص در کتاب‌های تخصصی ما مشکل محتوا داریم. در سال‌های اخیر خیلی از کتاب‌ها عوض شده اند، ولی باز مشکل به طور کامل حل نشده است. دانش آموز نمی دونه به درس گوش بده یا بنویسه بره خونه بخونه». از دیدگاه معلم شماره ۷: «من خودم معلم ریاضی هستم، اکثر کتاب‌های ریاضی محتوای کافی ندارند، یک توضیح کوچک داده با یک عالمه تمرین. برای همین مجبورم توضیحات اضافه رو بگم بنویسن و این باعث خستگی آنها میشه». «باید این واقعیت را بپذیریم که کتابه‌های درسی برای دانش‌آموزان ما جذاب نیستند» (معلم شماره ۱۱).

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف کلی بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان و معلمان (به عنوان کلیدی ترین عناصر تعلیم و تربیت) در زمینه علل اصلی بی توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی در کلاس صورت پذیرفت. نتایج به طور کلی نشان داد که در مجموع هم معلمان و هم دانش‌آموزان به دو دسته کلی عوامل فردی یا شخصی (که مربوط به خود دانش‌آموزان و ویژگیهای روانی آنهاست)، و همچنین عوامل مدرسه ای که مربوط (به متغیرهای کلاسی و مدرسه ای) معتقدند. در واقع نوعی همپوشانی در عقاید و دیدگاههای آن نسبت به این عوامل قابل ملاحظه است. به بیانی دیگر تحلیل و تفسیر تجارب

مشارکت کنندگان نشان می‌دهد درون مایه‌هایی که از داده‌های این مطالعه ظهور یافتند با یکدیگر در ارتباط بوده، الگویی از تجربیات آموزشی مشارکت کنندگان را نمایان کرده و به خوانندگان در فهم واقعیت مشارکت کنندگان در محیط آموزشی کمک می‌کنند. در واقع یافته‌ها نشان می‌دهند که با وجود تلاش‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی موجود در سال‌های اخیر، مشکلات فردی و مدرسه‌ای قابل توجهی در میان دانش‌آموزان دوره دبیرستان در جهت توجه به مطالب درسی در کلاس وجود دارد که پرداختن به آنها و لزوم استفاده از مداخله‌های موثر در این زمینه، ضرورتی محتوم است.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر با بعضی تحقیقات انجام یافته قبلی از جمله حارث آبادی، رئوفیان، اخلاقی، جامچی و صالحی (۱۳۹۵)، فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۵)، مهرعلیزاده، قربانی، ذوالفقاری، شاهین فر، نیکخواه و پور عزیزی (۱۳۹۲)، نبوی و صفوی (۱۳۹۰)، معین پور و همکاران، (۱۳۹۱) بک هال و تامان (۲۰۱۵)، کلهو و همکاران (۲۰۱۵)، همخوانی و همبستگی‌هایی دارند. در این راستا نتایج تحقیق مهرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن است که خواب آلودگی در کلاس، وضعیت نور و تهویه کلاس از عوامل کم توجهی به کلاس است. نبوی و صفوی (۱۳۹۰) معتقدند که غیبت از کلاس، شیوه‌های تدریس، علاقه مند نبودن به درس از دلایل کم توجهی به درس می‌باشند. تحقیق بک هال و تامان (۲۰۱۵) حاکی از آن است که روش‌های تدریس بر توجه دانش‌آموزان تأثیر دارد. فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۵) مهمترین عوامل و چالش‌های فرزندان در این دوره تحصیلی را چالش‌های عاطفی - هیجانی، عدم مهارت‌های حل مساله، سردرگمی هویت، چالش‌های ارتباطی می‌دانند که به نوعی با یافته‌های تحقیق حاضر متناظر است.

تامل در نتایج حاصل شده (از جمله کاهش انگیزش پیشرفت، بی‌هدفی، توسل به منابع کنترل بیرونی به جای کنترل درونی، اعتماد به نفس کاذب و . . .) نشان می‌دهد که معلمان می‌توانند با اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مختلف در کلاس درس میزان تاثیرگذاری این عوامل را کاهش دهند. مثلا در این راستا می‌توان به استفاده از روش‌های فعال تدریس، آشنایی با شیوه‌های مدیریت بهینه کلاس، اتخاذ مهارت‌های ارتباطی مناسب و اثربخش با دانش‌آموزان دوره متوسطه، آشنایی با چالش‌های عاطفی و هیجانی این دوره و غیره اشاره نمود. طوریکه با تکیه بر این شیوه‌ها بتوان میزان بهره‌وری و اثربخشی تحصیلی را افزایش داد. فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند مهمترین دلیلی که می‌توان برای تبیین چالش‌های رفتاری و اجتماعی دانش‌آموزان در این دوره در نظر گرفت بیش از سایر علت‌های احتمالی مطرح شد، عدم توجه به حساسیت‌های هر دوره از رشد از سوی، خانواده‌ها،

مدارس و اجتماع برای لحاظ نمودن آموزشها، مداخله‌ها و الگوسازی‌های موثر می‌باشد. کلهو و همکاران (۲۰۱۵) نیز معتقدند که اولین عامل سردرگمی فرزندان در برقراری رابطه اثربخش با خانواده و اولیای مدرسه، ضعف محتوای فرهنگی و تربیتی در نهادهای آموزشی و پرورشی، و عدم توجه کافی دست اندرکاران نظام آموزشی به این مسایل می‌باشد.

نتایج تحقیق حاضر بیانگر احتیاج مبرم نظام آموزشی به تغییرات بنیادی در ابعاد مختلف آموزشی در عرصه فردی و مدرسه ای است. در واقع نتایج تحقیق حاضر را می‌توان به عنوان ارزیابی همه جانبه و مهمی تلقی نمود که سعی کرده است با یک دیدمان کیفی و عمیق حساس ترین نقاطی که نیاز به ترمیم و اصلاح دارند را از زبان اصلی ترین سخنگویان تعلیم و تربیت بیان نماید و اهمیت بازنگری برنامه‌های تربیتی و آموزشی رایج و شکاف‌هایی که در این راستا وجود دارد را گوشزد نماید. پرواضح است که شناخت مشکلات بی توجهی در ابعاد مختلف موجب می‌شود تا برنامه‌ها و مداخله‌های مورد نظر نیز بخوبی طراحی شود و کارایی بیشتری داشته باشند.

کتابنامه

- امام وردی، بتول و جعفری تیتکانلو، پدram. (۱۳۹۶). تاثیر عوامل محیطی بر یادگیری ریاضی. *نهمین همایش ملی آموزش، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی*.
- امیری، محسن. (۱۳۹۵). اثر بخشی آموزش رفتاری والدین بر بیش فعالی/تکانشگری و رفتار های قانون شکنانه در کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش فعالی (نوع عمدتاً بیش فعال/تکانشگر). *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۹(۴)، ۳۷-۴۹.
- پورحسینی، ابراهیم. (۱۳۷۹) بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش متوسطه جدید از دیدگاه مدیران، دبیران و دانش آموزان دبیرستان های نظام جدید شهرستان خرم آباد استان لرستان. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی*.
- حارث آبادی، مهدی؛ رئوفیان، حسنیه؛ اخلاقی، دانیال؛ جامچی، حمید و صالحی، میترا. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر تمرکز در کلاس درس از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*، ۸(۲)، ۲۳۴-۲۳۴.
- حارث آبادی، مهدی؛ رئوفیان، حسنیه؛ اخلاقی، دانیال؛ جامچی، حمید و صالحی، میترا. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر تمرکز در کلاس درس از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*، ۸(۲)، ۲۳۴-۲۳۴.
- زرگری نژاد، غزاله. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش والدین بر مشکلات رفتاری کودکان ADHD، *دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء*، ۳(۲)، ۲۹-۴۸.
- طالع زارعی، ملیحه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر هدایت تحصیلی و شغلی دانش آموزان نظام جدید متوسطه آموزش و پرورش شهرستان شاهرود. *دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و فناوری اطلاعات و ارتباطات*
- فردوسی، طیبه. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در بی توجهی دانش آموزان به مطالب درسی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴، ۴۱-۲۱.
- کاووسیان، جواد؛ فراهانی، محمد نقی؛ کدیور، پروین؛ هومن، عباس؛ شهر آرای، مهر ناز و فرزاد، ولی اله. (۱۳۸۶). مطالعه عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان های سراسر کشور در سال تحصیلی ۸۳-۸۴. *فصلنامه روان شناسی دانشگاه تبریز*، ۲(۸)، ۸۵-۱۰۸.

فتحی آذر، اسکندر؛ گل پرور، فرشته؛ میرنسب، میرمحمود و واحدی، شهرام (۱۳۹۵). مطالعه پدیدارشناختی مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان دبیرستانی: چالش‌های هیجانی-اجتماعی و تحصیلی. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۶): ۷۲-۵۳.

معین پور، حمیده، ساعدی، عاطفه و نصر اصفهانی، رضا. (۱۳۹۱). تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، ۳(۱۱): ۱۹-۱.

مهرعلیزاده، سمیرا؛ قربانی، راهب؛ ذورالفقاری، شیدا؛ شاهین فر، حمید؛ نیکخواه، روناز و پور عزیزیف محسن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر تمرکز در کلاس از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی سمنان. *آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳(۸)، ۶۷۱-۶۶۳.

نبوی، سیدجمال‌الدین و صفوی، محبوبه. (۱۳۹۰). علل غیبت از کلاس و عدم توجه به درس در بین دانشجویان رشته پزشکی مقطع علوم پایه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۲۱(۳)، ۲۳۲-۲۲۷.

نوروزی، بهزاد. (۱۳۸۸). رفتار انضباطی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس ابتدای ناحیه ۳ شهر شیراز. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

نوری زاده، نرگس. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی نوروفیدبک (پسخوراند عصبی) بر کاهش نشانگان نقص توجه/بیش‌فعالی و نقص توجه/بیش‌فعالی همراه با ناتوانی یادگیری. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه.

یار محمدیان، محمد حسین. (۱۳۸۰). *اصول برنامه ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.

Bachhel R, Thaman R. (2015). Effective Use of Pause Procedure to Enhance Student Engagement and Learning Rachna Bachhel, *Journal of Clinical and Diagnostic*, 8(8), 1-3.

Coelho, V. A., Sousa, V., & Marchante, M. (2015). Development and Validation of the Social and Emotional Competencies Evaluation Questionnaire. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 5, 139- 147.

Crumley H. (2013). *Lecture Busters: Keeping Students Engaged*. Houston: University CfITD. [citd 2013 Sep 5]. available from: <http://cit.duke.edu/pdf/events/lecturebusters.pdf>.

Kane, T. J., & Staiger, D. O. (2008). Estimating teacher impacts on student achievement: An experimental evaluation. NBER Working Paper No. 14607.

Kruschke, J. K. (2000). Toward a unified model of attention in associative learning. *The Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory & Cognition*, 25, 1083–1119.

Midgley, C. & Urdan, T. (2001). Academic Self-handicapping and Achievement goals: a Further Examination. *Contemporary Educational Psychology*, 26, 61-75.

Streubert, H. J., and Carpenter, D. R. (2007). Qualitative research in nursing. Advancing the humanistic imperative. *Journal of nursing inquiry*, 13(3), 228 - 236.